

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تقدیم ہے:

با کسب اجازہ و سپاس از وجود مقدس پدر عزیز و مہربان مادرہ و با سپاس و  
قدر دانے از ہمسر مہربانم کہ ایہ صفا و مہربانے اش ایہ سار زندگے ام بودہ و  
ہست و فرزندان عزیزم (سید محمد طہ و سیدہ ریحانہ زہرا و فاطمہ سادات) کہ  
دنیا را بدون وجودشان ہرگز نمی خواہم این نوشتار را تقدیم مے کنم ہے:

قطب عالم امکان

عالم علوم بیکران

قائم آل محمد (ﷺ)

باشد کہ غناے دفتر خالے از معرفت و تھے از دانشم، روشن بہ نام مقدسشان  
گردد.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ (۱۲) ثُمَّ  
جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ  
عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا  
فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ  
أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)

«و به یقین انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم سپس او را [به صورت] نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم، آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است.»

(مؤمنون: ۱۲-۱۴)

کتاب حاضر حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤلف (خانم انسیه نوراحمدی) در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی است که در سال ۱۳۹۱ در دانشکده الهیات دانشگاه سراسری یزد به راهنمایی جناب آقای دکتر علی تولایی و مشاوره خانم دکتر صدیقه مهدوی کنی با نمره عالی از آن دفاع شده است.

# جنین آزمایشگاهی بدون صاحب از منظر فقه امامیه

تألیف:

**انسیه نوراحمدی**

دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی

**دکتر علی تولایی**

عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

**دکتر صدیقه مهدوی کنی**

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران



حوزه معاونت پژوهشی و فناوری  
دانشگاه امام صادق (ع)  
پردیس خواران



انتشارات  
دانشگاه امام صادق علیه السلام

**عنوان:** جنین آزمایشگاهی بدون صاحب از منظر فقه امامیه  
**مؤلفان:** انسیه نوراحمدی، دکتر علی تولایی و دکتر صدیقه مهدوی کنی  
به اهتمام: تهیه شده در دفتر نشر آثار علمی حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) - پردیس خواران  
**ناشر:** دانشگاه امام صادق علیه السلام  
**صفحه آرا و ویراستار ادبی و طراح جلد:** محمد روشنی  
**نمایه ساز و ناظر نسخه بردازی و چاپ:** رضا دیبا  
**چاپ و صحافی:** چاپ سپیدان  
**چاپ اول:** ۱۳۹۹  
**قیمت:** ۲۳۰/۰۰۰ ریال  
**شمارگان:** ۱۰۰۰ نسخه  
**شابک:** ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۵۸-۲

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲  
تلفن: ۶۶۹۷۳۲۱۲  
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه  
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲  
فروشگاه اینترنتی: [pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir) • [www.ketabesadiq.ir](http://www.ketabesadiq.ir)

سرشناسه: نوراحمدی، انسیه، ۱۳۶۶ -  
عنوان و نام پدیدآور: جنین آزمایشگاهی بدون صاحب از منظر فقه امامیه / تألیف انسیه نوراحمدی،  
علی تولایی، صدیقه مهدوی کنی.  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۵۸-۲  
موضوع: جنین آزمایشگاهی انسان (فقه)  
موضوع: تلقیح مصنوعی انسان (فقه) - ایران  
موضوع: انسان - تولید مثل - جنبه‌های مذهبی - اسلام  
موضوع: انسان - تولیدمثل - نوآوری  
شناسه افزوده: تولایی، علی، ۱۳۵۳ -  
شناسه افزوده: مهدوی کنی، صدیقه، ۱۳۴۰ -  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)  
رده‌بندی کنگره: BP ۱۹۸ / ۶  
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۹  
شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۸۴۶۸۶

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.  
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
سخن نخست.....	۱۳
دیباچه دکتر علی تولایی.....	۱۵
دیباچه دکتر صدیقه مهدوی کنی.....	۱۷
مقدمه.....	۲۱
فصل اول: مروری بر مفاهیم بنیادین مرتبط با جنین آزمایشگاهی بدون صاحب..	۲۵
۱. نطفه و جنین.....	۲۵
۱-۱. نطفه.....	۲۶
۱-۱-۱. معنای لغوی.....	۲۶
۲-۱-۱. معنای اصطلاحی نطفه.....	۲۹
۲-۱. جنین.....	۳۲
۱-۲-۱. معنای لغوی.....	۳۲
۲-۲-۱. معنای اصطلاحی.....	۳۳
۳-۱. جنین آزمایشگاهی بدون صاحب.....	۳۶
۱-۳-۱. تعریف.....	۳۶

۳۸	..... فرایند تشکیل	۲-۳-۱
۴۰	..... تعریف جنین آزمایشگاهی بدون صاحب	۳-۳-۱
۴۱	..... نگهداری انجمادی	۴-۱
۴۳	..... انجماد جنین	۱-۴-۱
۴۴	..... انجماد تخمک	۲-۴-۱
۴۴	..... انجماد اسپرم	۳-۴-۱
۴۴	..... مال و مالیت	۲
۴۸	..... کرامت انسانی و حق حیات	۳
۴۸	..... کرامت انسانی	۱-۳
۵۰	..... مفهوم حق حیات	۲-۳
۵۷	..... ماهیت جنین آزمایشگاهی بدون صاحب	فصل دوم:
۵۷	..... نظرات در مورد ماهیت جنین آزمایشگاهی بدون صاحب	۱
۵۷	..... تلقی از جنین به عنوان انسان	۱-۱
۵۸	..... تلقی از جنین به عنوان مال	۲-۱
۶۲	..... تلقی از جنین به عنوان شبه مال	۳-۱
۶۴	..... نظر برگزیده	۴-۱
۶۵	..... ماهیت جنین آزمایشگاهی قبل از ایجاد و استقرار در رحم	۲
۶۹	..... ماهیت جنین آزمایشگاهی پس از ایجاد و استقرار در رحم	۳
۷۲	..... حیات و کرامت جنین آزمایشگاهی بدون صاحب	۴
۷۷	..... شواهدی بر حیات و کرامت نطفه و جنین	۱-۴
۸۰	..... نتیجه	۵
۸۳	..... احکام مرتبط با جنین آزمایشگاهی بدون صاحب	فصل سوم:
۸۳	..... از بین بردن جنین آزمایشگاهی بدون صاحب	۱
۸۴	..... نظرات فقها در مورد از بین بردن نطفه (زایگوت)	۱-۱
۸۹	..... انجماد جنین آزمایشگاهی	۲
۹۲	..... ولایت جنین های آزمایشگاهی بدون صاحب	۳
۹۴	..... بررسی ماهیت قرارداد جنین آزمایشگاهی بدون صاحب	۴
۹۵	..... اهدای مخفیانه یا گمنام	۱-۴
۹۶	..... اعراض	۱-۱-۴



فهرست مطالب ♦ ۹

۱۰۰	..... ۲-۱-۴. اذن
۱۰۳	..... ۳-۱-۴. صلح
۱۰۶	..... ۴-۱-۴. هبه
۱۰۷	..... ۵-۱-۴. وکالت
۱۰۹	..... ۶-۱-۴. قرارداد خصوصی
۱۰۹	..... ۲-۴. اهدای آشکار یا بانام
۱۱۰	..... ۵. ارث جنین های آزمایشگاهی بدون صاحب
۱۱۰	..... ۱-۵. وضعیت ارث جنین لقاح یافته بعد از وفات صاحب اسپرم
۱۱۵	..... ۲-۵. وضعیت ارث جنین منجمد شده
۱۲۳	..... نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۲۷	..... پیشنهادات
۱۲۹	..... فهرست منابع
۱۴۵	..... نمایه



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)

## سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخگویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی، و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهره مندی از نتایج آن هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخگویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه

اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)** با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاء‌الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

## سخن نخست

«لقد منّ الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولاً من أنفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل لفى ضلال مبين» (آل عمران: ۱۶۴).

حمد و ثنا خداوند بزرگ و ذات احدیت را که امتیاز و درجه عالمان و دانشمندان را در نزدیکی به جایگاه پُر عظمت خویش قرار داد؛ همان‌که در این آیه شریف بر مؤمنان منّت نهاد آنگاه که از نفس خودشان رسولی برانگیخت تا برای آنان آیات وحی بخواند و ایشان را بشارت و بیم دهد. به راستی مرتبت علم و دانش و فضل و معرفت در نزد خدا جایگاهی دارد که ذات احدیت به واسطه اعطای آن به آدمی، بر بشریت منّت نهاده است.

خداوند را شاکریم که در عصری که هنوز در برخی کشورهای جهان، زنان را واجد شرایط شرکت در محافل سیاسی، اجتماعی و علمی نمی‌دانند، خواهران گرامی ما در عرصه علم و تحقیق و پژوهش پیش می‌تازند و به جهت اراده استوار خویش، اندیشه‌ها را به تکاپو و قلم‌ها را به حرکت وامی‌دارند (رئیس محترم فقید دانشگاه امام صادق (علیه السلام) آیت‌الله مهدوی کنی).

این توفیق الهی است که یک مرکز داعیه‌دار علم و دانش بتواند در دستیابی به اهداف بلند خود، برنامه‌های خویش را بر مدار معرفت و دانایی قرار دهد، زیرا علم و معرفت از چنان قدر و منزلت و عظمتی برخوردار است که باید گام نهادن در مسیر آن را از الطاف الهی دانست. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) - پردیس خواهران در طی سالیان

گذشته افتخار این را داشته است که در این راستا هر چند مختصر و کوتاه گام‌هایی برداشته و افق بلندی را در چشم‌انداز علمی خود پیش رو دارد که البته برخی فعالیت‌ها به صورت راهبردی یعنی درازمدت و برخی فعالیت‌ها به صورت میان‌مدت و کوتاه‌مدت بوده است. از جمله فعالیت‌های این مرکز در بخش‌های علمی و آموزشی و پژوهشی، به انجام رسانیدن برخی طرح‌ها، پژوهش‌ها و انتشار آن در قالب کتاب می‌باشد که اهداف متعالی دانشگاه را در دستیابی به رویکردهای تعیین شده به پیش خواهد برد. در این راستا، الگوی اسلامی ایرانی رشد و تعالی و پیشرفت در مسیر اهداف متعالی و بلند نظام جمهوری اسلامی، از رویکردهای نوینی است که در دستیابی به فعالیت‌های برنامه‌ای مورد توجه واقع می‌شود.

معاونت پژوهشی از زمان تشکیل تاکنون به این مهم توجه داشته و برنامه‌ها و فعالیت‌هایی را به انجام رسانیده است. این معاونت تلاش دارد با عمق بخشیدن به این فعالیت‌ها و تهیه و تنظیم برنامه‌های راهبردی در راستای محقق نمودن پژوهش‌هایی علمی، راهبردی و کاربردی دانشگاه، گام‌هایی را بردارد؛ و مطابق با ساختار علمی دانشگاه به عنوان سازمانی دانش‌بنیان، برنامه‌محور، توسعه‌گرا و تحول‌مدار برای پاسخگویی به نیازهای روبه‌رشد جامعه فراگیران خود، تلاش دارد با نیازسنجی و پاسخگویی به مطالبات به پژوهش‌های علمی خود به‌ویژه در شاخه‌های مطالعات زنان با گرایش‌های نسل جوان پاسخ دهد.

خوشبختانه این فعالیت مورد استقبال اساتید، دانشجویان و برخی محیط‌های علمی در استفاده و بهره‌برداری از برخی کتب چاپ شده بوده است. از کلیه کسانی که ما را در این مسیر یاری نموده‌اند تشکر و تقدیر نموده و از همه محققان و فرهیختگان گرامی جهت همکاری در امور علمی - پژوهشی دعوت می‌نماییم.

معاونت پژوهشی - اداره کل پژوهش - حوزه معاونت پژوهشی و فناوری

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) پردیس خاوران

## دیباچه دکتر علی تولایی

تولد نخستین کودک آزمایشگاهی در سال ۱۹۷۸ میلادی در انگلستان، باب مسائلی مختلفی را در عرصه حقوق و اخلاق بارداری‌های حمایت‌شده و تکنولوژی نوین باروری و زاد و ولد، فراروی پژوهشگران گشود. یکی از این عرصه‌ها تکنولوژی انجماد جنین و استفاده از جنین‌های منجمد برای بارداری مجدد است که مسائلی شرعی و حقوقی مختلفی از جمله نگاه‌داری، وصیت، ارث، قیمومت و استفاده از آنها بعد از طلاق را سبب شده است. فقه امامیه از زمان شیخ طوسی (۴۶۰ق) در قالب فقه تفریعی، بر پایه مبانی مقبول، پاسخگوی مسائلی پُرشماری بوده است و بر اساس روایت شریف «اللقاء الاصول» متناسب با عصر و زمان، اجتهاد و تفریع صورت گرفته است. مسئله انجماد جنین از منظر فقه، از جمله مسائلی است که نوشته‌های اندکی در خصوص آن موجود است. اثر حاضر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤلف نخست کتاب، خانم انسیه نوراحمدی است که در دانشگاه یزد با راهنمایی اینجانب و مشاوره دکتر صدیقه مهدوی کنی در سال ۱۳۹۱ دفاع شده است. مؤلف با افزودن مباحثی به این اثر و تغییراتی در ساختار و چینش مباحث، نوشته را به شکل کتاب حاضر بیرون آورده و تقدیم جامعه علمی می‌کند.

تیرماه ۱۳۹۹

دکتر علی تولایی

دانشیار دانشگاه یزد





## دیباچه دکتر صدیقه مهدوی کنی

در نظام آفرینش برای هر فرد انسانی که پا به عرصه هستی می‌گذارد، حقوقی مفروض است. از این‌رو در مورد کودکان متولد از لقاح طبیعی نیز قوانینی مدون شده است؛ اما این حقوق رایج نمی‌تواند پاسخگوی بسیاری از پرسش‌های ماهوی درباره حقوق جنین ناشی از تلقیح مصنوعی باشد و این مشکل در حقوق جنین منجمد بدون صاحب، چالش‌های عمیق‌تری پدید آورده است. از سر گذراندن این چالش‌ها و تدوین مسائل حقوقی مرتبط با آن، نیازمند توجه به «نظریه‌های اخلاق زیستی» است. این نظریه‌ها بر پایه حفظ و حمایت از کرامت ذاتی انسان و حق زیستن جنین سامان یافته است.

در مراکز تحقیقاتی و درمانی باروری، تعداد زیادی جنین وجود دارد که زمانی طولانی به صورت منجمد نگهداری شده‌اند و دیگر یافتن صاحبان آنها ناممکن شده است. عدم تبیین ماهیت جنین منجمد آزمایشگاهی و نبود قانون مدون درباره تولید، نگهداری و استفاده از آنها، باعث شده این جنین‌ها در معرض سوءاستفاده سودجویان قرار گیرند. رهایی از این چالش، تنها با تبیین ماهیت و وضع حقوقی جنین منجمد آزمایشگاهی توسط قانون‌گذار امکان‌پذیر خواهند بود. لذا بایسته است که از طریق تحلیل مبانی فقه امامیه و حقوق ایران نسبت به تبیین ماهیت جنین آزمایشگاهی بدون صاحب اهتمام ورزید.

در این خصوص مبنای واحدی وجود ندارد. برخی بر این باورند که جنین‌های منجمد پتانسیل تبدیل شدن به یک انسان را دارند و باید آنها را انسان تلقی نمود.

عده‌ای دیگر با اعتقاد به اینکه زمان تشکیل حیات انسانی در هنگام انعقاد نطفه نیست، جنین‌های مذکور را مال تلقی کرده‌اند. در این میان دیدگاه سومی نیز پدید آمده است که قائل به «شبه‌مال» بودن این جنین‌ها است.

حال باید به پرسش‌هایی از این دست پاسخ دهیم که آیا جنین آزمایشگاهی دارای شخصیت حقوقی است و حق حیات برای وی همانند جنین حاصل از باروری طبیعی، محفوظ است یا چنین جنینی مال محسوب می‌شود و می‌توان در آن تصرف نمود و از آن در مواردی همچون تحقیقات مربوط به باروری پزشکی یا اهدای جنین به زوجین نابارور استفاده نمود؟ آیا فقه امامیه اجازه دور ریختن و از بین بردن این جنین‌ها را می‌دهد؟ در نوشتار پیش رو تلاش شده است تا با تبیین مفهوم نطفه و جنین در متون دینی و نقطه آغاز حیات، حفظ کرامت انسانی جنین و حق حیات برای آن، اثبات گردد. اولاً جنین حاصل از تلقیح مصنوعی حکم مال را ندارد و قابل نقل و انتقال از طریق بیع نیست و این منع حتی درباره هبه، صلح، اعراض و مانند آن نیز برقرار است چرا که تجویز چنین تصرفاتی معارض با کرامت انسانی است.

ثانیاً انعقاد نطفه چه در رحم و چه خارج از آن و قرار گرفتن در شرایطی مساعد برای رشد و ترقی، حرکتی به سوی ماهیت انسانی است و در چنین موقعیتی از بین بردن آن شرعاً حرام است و جز در صورت ضرر سقط آن جایز نیست. ولی هرگاه جنین بعد از تشکیل و قبل از قرار گرفتن در رحم منجمد شود و مراحل رشد و تکامل آن متوقف گردد، به علت خارج شدن از مسیر رشد و تکامل، و همچنین عدم صدق عنوان «حمل» بر آن، احکام حقوقی جنین بر آن مترتب نیست و تا زمانی که مجدداً در مسیر رشد و تکامل قرار نگیرد از حقوق مدنی برخوردار نخواهد بود. پس اگر امکان رشد و تکامل نداشته باشند مانند منی دور ریختن و از بین بردن آن مجاز است.

یکی دیگر از مهم‌ترین مسائل مطرح در جنین بی‌صاحب، احکام شرعی و قانونی مرتبط با آن از قبیل نسب، حضانت، نفقه، تابعیت و ارث است که به طور قطع مشکلات زیادی را در آینده‌ای نه‌چندان دور پدید خواهد آورد. امکان اختلاط نسل، ازدواج‌های غیرشرعی، نداشتن ولی قهری، مشخص نبودن وراثت و اختلاف در نحوه تقسیم ارث از مسائلی است که حل آن در صورت ناشناس ماندن صاحبان جنین برای جامعه دینی چالش‌هایی ایجاد می‌کند. لذا شایسته است که در این باره پیش‌بینی‌های

دباجه دڪتر صديقه مهدي ڪني ♦ ۱۹

لازم در قوانين صورت پذيرد.

اميد است اين ڪتاب ڪه حاصل مطالعات و نگارش چندين ساله سرڪار خانم انسيه نوراحمدى از دوره ڪارشناسى با راهنمايى اينجانب و در مقاطع بالاتر تحصيلى تحت راهنمايى و هدايت جناب دڪتر تولايى و نيز صاحب اين سطور مى باشد گامى در جهت رفع اين چالش ها و موانع برداشته باشد.

(اللهم وفقنا لما تحب و ترضى)

صديقه مهدي ڪني

تابستان ۱۳۹۹



## مقدمه

حمد و سپاس خداوندی را که انسان را به احسن تقویم آفرید، و برای پویایی اش، روحی را منسوب به خود در او دمید؛ و بدین گونه او را مسجود فرشتگان قرار داد؛ (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) (مؤمنون: ۱۴)؛ و درود بی پایان بر فرستادگان او، پرچم داران هدایت بشر، به ویژه بر آخرین آنان و جانشینان گرامی اش که جهان به طفیل وجودشان پدید آمد؛ و نفرین بی حد و حصر بر دشمنانشان که خلق کثیری را از هدایت آنان که هدایت الهی است محروم ساخته و آنان را از رسیدن به هدف آفرینش دور نگاه داشتند؛ و خدای را سپاس که ما را در خانواده دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) پرورش داد و با فقه امامیه آشنا ساخت، چرا که فقه امامیه به لحاظ ارتباط با سرچشمه های زلال وحی، تنها مکتبی است که شایستگی تربیت و تهذیب انسان ها و ارائه برنامه های سازنده و مفید را در تمام عرصه های زندگی و در تمام زمان ها و مکان ها داراست و در رویارویی با مسائل نوپیدا (مستحدثه) بهترین راه حل ها را می تواند ارائه دهد.

یکی از مسائلی که در عصر کنونی خلأ زندگی مشترک بسیاری از زوجین ناباور را جبران نموده و پُر کرده است، تلقیح مصنوعی است. آرزوی داشتن فرزند، و علاقه به آن، از مسائل فطری است که در نهاد تمام انسان ها نهفته شده است، به گونه ای که خداوند متعال نیز این علاقه را مورد تأیید قرار داده، و در آیات ۳۸ و ۳۹ سوره آل عمران، و ۷۳-۷۱ سوره هود، از آن به عنوان آرزوی دو پیامبر خویش نام برده است

و فلسفه واقعی آن، میل به جاودانگی است، و از آنجا که انسان می‌داند جاودانه نخواهد ماند، و فرزندان و نوه‌ها و نسل خود را نوعی بقای خویش می‌شمرد، بدین جهت به آنها علاقه‌مند است. علاوه بر این، گروهی از پدران و مادران، اهداف والا و بلندی دارند، که عمرشان کفایت انجام آن اعمال را نمی‌کند. بدون شک فرزندان بهترین گزینه برای ادامه دادن اهداف والدین خود می‌باشند. ولی علی‌رغم این علاقه فطری، برخی از زن و شوهرها به دلایل مختلف از این نعمت محروم هستند، و بر اثر علل و عوامل گوناگون، نمی‌توانند به صورت طبیعی بچه‌دار شوند؛ و از سوی دیگر، به خاطر شرایط خاصی که دارند، آمادگی پذیرش و تربیت فرزندان بی‌سرپرست را نیز ندارند. اینان تنها راه دست یافتن به این نعمت الهی، و پاسخ دادن به این ندای فطری، و پُر کردن این خلأ زندگی مشترک را تلقیح مصنوعی می‌دانند.

اهدای جنین یک شیوه درمان نازایی است که بر اساس آن اسپرم مرد و تخمک زن گرفته شده و در محیط آزمایشگاه در مجاورت یکدیگر قرار داده می‌شود تا پس از لقاح و تقسیمات اولیه و حداکثر تا چهار روز از زمان لقاح، به رحم زن منتقل گردد. از این روش با علامت اختصاری «I.V.F» یعنی باروری در لوله آزمایشگاه یاد می‌شود. همچنین می‌توان از جنین‌هایی که قبلاً منجمد شده‌اند نیز استفاده نمود، گرچه درصد موفقیت کمتری دارند (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۱-۳۲). گاهی تعدادی از این جنین‌ها بیشتر از نیاز زوجین نابارور می‌باشد که در این صورت مؤسسات ناباروری این جنین‌ها را منجمد نموده تا در صورت نیاز زوجین نابارور در سال‌های بعد مورد استفاده قرار بگیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که گاهی بر اثر حوادث این زوجین نابارور از دنیا رفته‌اند و یا حتی نقل مکان داده‌اند به نحوی که امکان دسترسی به ایشان وجود ندارد و این جنین‌ها بی‌صاحب باقی می‌مانند و تصمیم برای تعیین سرنوشت آنها برای مراکز ناباروری سخت و دشوار است و لذا برای حل اینگونه مسائل اقدام به برگزاری همایش و کنفرانس حول موضوعات مختلف مرتبط با جنین آزمایشگاهی پرداخته، که در رابطه با موضوع نگارش این کتاب فقط دو مقاله که در همایش جنین‌شناسی در مؤسسه رویان برگزار شد به رشته تحریر در آمده که این افراد به صورت مختصر ایجاد بحث نموده بودند. می‌دانیم که سرچشمه تلقیح مصنوعی انسانی کشور انگلستان می‌باشد و لذا با بررسی مقالات انگلیسی این مطلب به دست

آمد که با توجه به اینکه در جوامع غربی دین و اخلاق نقش کم‌رنگی در روابط اجتماعی دارد لذا مباحثی همچون تلقیح و باروری مصنوعی و جنین آزمایشگاهی بیشتر از منظر پزشکی و ساختار سلولی و گاهی نیز از نظر قوانین وضعی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است و مطالعات اندکی در زمینه بررسی تلقیح مصنوعی از دیدگاه فقه و حقوق دینی صورت گرفته است. با این وجود، طی یک دهه اخیر پژوهش‌هایی که به جنبه‌های اخلاقی، دینی و قانونی در تلقیح مصنوعی پرداخته‌اند، افزایش یافته است. باید خاطر نشان نمود که در وضعیت فقهی و حقوقی فعلی حوزه پزشکی کشور خلأهای بی‌شماری به چشم می‌خورد که اهم آن عبارتند از: عدم تعیین سرنوشت جنین‌های منجمد شده بی‌صاحب مانده، فقدان تعریفی دقیق از جنین آزمایشگاهی و معین نمودن ماهیت آن از لحاظ شخصیت حقوقی یا مال محسوب گشتن، و به تبع آن دارا بودن حق حیات همانند جنین حاصل از باروری طبیعی یا اذن دراز بین بردن جنین آزمایشگاهی و سایر احکام مربوط به جنین آزمایشگاهی بدون صاحب از جمله ولایت این جنین‌ها و شرایط اهدا یا از بین بردن آنها و انجماد و مسائل مربوط به ارث و تورث و ...

بنابراین تمامی حقایق فوق نگارنده را بر آن داشت تا با دیدی گسترده و همه‌جانبه و نقادانه به بررسی موضوع مزبور در فقه شیعه پرداخته و علی‌رغم مستحدثه بودن مسئله و عدم وجود مطلب به صورت مدوّن در کتب قدیمی فقها و کمبود کتب دسته اول در این زمینه، تمامی سعی خود را در نزدیک شدن به پاسخ مسائل مطرح شده در بالا به کار گیرد.

مطالب نوشتار حاضر در قالب سه فصل، تدوین گردیده است. از آنجاکه در تحقیق و تتبع پیرامون هر مسئله علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است، مروری بر مفاهیم بنیادین مرتبط با جنین آزمایشگاهی بدون صاحب در بادی امر درگاهی برای ورود و اظهار نظر در موضوعات و مسائل مرتبط با آن می‌باشد. از همین رو در فصل نخست، به مروری بر مفاهیم بنیادین مرتبط با جنین آزمایشگاهی بدون صاحب را مورد توجه قرار دادیم. ماهیت جنین آزمایشگاهی بدون صاحب و بیان نظرات و دیدگاه‌های مختلف در این زمینه، از جمله مباحثی است که در فصل دوم این کتاب مورد بررسی قرار گرفت و در آخر در فصل سوم احکام مرتبط با جنین

آزمایشگاهی بدون صاحب از جمله مسائل: حکم انجماد، ولایت، ارث و تورث و... به فراخور بحث مطرح گردیده است و در نهایت در گام آخر مسائلی به عنوان پیشنهاد بیان گردید.

در پایان خداوند متعال را شاکرم که توفیق انجام این پژوهش را به بنده عنایت فرمود و مرا از راهنمایی‌های اساتیدی عالم برخوردار نمود و پس از حمد و سپاس خداوند و شکر نعمات الهی، شایسته و بایسته است که از همسر صبور و فداکارم سیدمحمد حسینی بغدادآبادی که ایثارگرانه بار سنگین این پژوهش را برای ما قابل تحمل نمودند صمیمانه تقدیر و تشکر نموده و سلامتی و توفیقات روزافزون علمی و معنوی ایشان را آرزو مندم.

در پایان تأکید می‌نمایم که به‌رغم تلاش فراوان ما جهت برخورداری و استفاده هرچه بیشتر از راهنمایی‌ها و ارشادات اساتید گرانقدر، با توجه به بضاعت علمی ناچیز نگارنده، کاستی‌های فراوانی در این پژوهش به چشم می‌خورد که همه آنها را متوجه نگارنده دانسته و از خداوند قادر متعال می‌خواهم توفیق و فرصت تکمیل این پژوهش را در مطالعات آینده در اختیار ما قرار داده و ما را با تعالیم و حیانی خود که از طریق انبیاء به ما رسیده است، جهت دستیابی به نظام پزشکی اسلامی، هرچه بیشتر آشنا گرداند.

امید است در این تلاش فقهی - حقوقی توانسته باشیم با ارائه پاسخ‌های مناسب قدمی مؤثر در حل مشکلات جامعه اسلامی برداریم. توفیق جویندگان حقیقت را از خداوند متعال خواهانیم.

«وما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب»

(هود: ۸۸)

انسیه نوراحمدی

زمستان ۱۳۹۴



## فصل اول:

### مروری بر مفاهیم بنیادین مرتبط با جنین آزمایشگاهی بدون صاحب

#### ۱. نطفه و جنین

در کتب فقها، چندان تعریف دقیقی از جنین ارائه نشده است، بلکه ایشان ضمن مباحثی چون ارث، وصیت، دیه، عزل به مسائل مربوط به جنین پرداخته و اکثراً از کلمه حمل برای ارائه احکام استفاده نموده‌اند. در کتب گذشتگان تنها تعریفی که به آن دست یافتیم متعلق به ابن ادریس است که ایشان در کتاب خود اینگونه بیان نموده است:

«الجنین الولد ما دام فی البطن، و أول ما یکون نطفة، و فیها بعد وضعها فی الرحم الی عشرين یوما» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۴۱۶)؛ یعنی به فرزند تا هنگامی که در شکم باشد جنین گفته می‌شود و آنچه که ابتدا به وجود می‌آید نطفه است که پس از قرار گرفتن در رحم ۲۰ روز این عنوان بر او صدق می‌کند.

در کتاب دعائم الاسلام نیز تعریف حمل به صورت «حمل بفتح الحاء ما کان فی البطن» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۴۲۰) ارائه شده که مفهوم «موجود در شکم» را دربردارد. شهید ثانی نیز از جمله فقهای است که به تعریف واژه جنین پرداخته و می‌فرماید: «جنین همان حمل در بطن مادرش است که به خاطر استتار آن در شکم مادر به این نام خوانده شده است، این واژه از ریشه اجتنان به معنای پوشش و به معنی مفعولی استفاده می‌شود» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۹). در شرح تبصره علامه نیز

همین معنا به کاررفته است (ذوالمجدین، ۱۳۲۹ق: ۶۷۲-۶۷۱). فقها ضمن بیان مراحل تکامل جنین، ماهیت جنین و دیه مربوط به هر زمان را توضیح داده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰ق: ۷۷۸).

فقها مسائل مربوط به جنین را در دو زمان قبل و بعد از ولوج روح با تفاوت‌هایی در احکامشان بیان نموده‌اند و آنچه روی سخن ایشان به آن است همان فرزند داخل شکم می‌باشد. لذا برای یافتن معنای دقیق نطفه و جنین باید به کتب لغت، قرآن و احادیث ائمه (علیهم‌السلام) مراجعه نماییم.

#### ۱-۱. نطفه

##### ۱-۱-۱. معنای لغوی

نطف دارای دو ریشه با دو معنای متفاوت (زیور و زینت؛ مرطوب شدن) است، که کم‌کم از آن استعاره گرفته شده و معنایش گسترش پیدا کرده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۴۴۰): ریشه اول النَّطْفُ می‌باشد که به معنای لوء لوء و مروارید است که مفرد آن نَطْفَةٌ می‌باشد؛ و ریشه دوم النُّطْفَةُ به معنای آب زلال و پاک است. این کلمه در زبان عربی کاربردهای بسیار با تفاوت معنایی بسیار دارد، به عنوان نمونه:

«النَّطْفُ» به صورت کنایه به معنی گوشواره است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۱۱) و «لیلة نطوف» یعنی شبی که باران تا صبح نَمَم می‌بارد «النَّطَافُ» به معنی عَرَق می‌باشد و نَاطِف - مایعات و همچنین شیر و شکر و تخم مرغ یا خامه روی نان‌های شیرینی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۱۱). النُّطْفَةُ: آب کمی که در دل یا مشک و جز آن مانده باشد (بستانی، ۱۳۷۵: ۹۱۹) در حالت استعاره این کلمه به معنای آغشته شدن و آلوده گردیدن به کار می‌رود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۴۳۶) به عنوان نمونه نطف الشیء به معنی معیوب و ناقص شدن شیء شده است، فلانٌ مُنْطِفٌ المعروف، و فلانٌ یُنْطِفُ بسوء یعنی او کار نیکی را فاسد و پلید و آلوده می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۱۱).

این کلمه در باب قتل به معنای جاری گشتن می‌باشد، آنجا که عرب اینگونه از آن استفاده می‌کند: نطف الجرح (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۴۳۶) به معنی زخمی شدن است، نَطَفَتِ القربةُ تَنْطِفُ نَطْفَاناً یعنی آب از مشک چکید در حالی که آنچه در آن بوده

جاری شود (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۶۱۱).

خلیل بن احمد فراهیدی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) (م ۱۷۵ق) در کتاب «العین» که از قدیمی‌ترین کتب لغت به شمار می‌آید کاربرد این واژه را در جمله ذیل بیان کرده است:

«النُّطْفَةُ: الماء الصَّافِي، قَلْ أَوْ كَثْرًا، وَ الْجَمِيعُ: النُّطْفُ وَ النُّطَافُ وَ النُّطْفَةُ: الَّتِي يَكُونُ مِنْهَا الْوَلَدُ» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۴۳۶).

نطفه به آب زلال اطلاق می‌شود چه کم باشد چه زیاد؛ جمع این کلمه به دو صورت النُّطْفُ وَ النُّطَافُ است و کلمه نطفه همچنین به معنای چیزی که فرزند از آن به وجود می‌آید، می‌باشد.

به دنبال این سخن، برخی دیگر از لغویون در سال‌های پس از ایشان، این عبارت را به تعریف قبلی اضافه نمودند: «نطفه به آب مرد و زن گفته می‌شود که جمع این کلمه نطف یا نطاف است؛ نطفه همچنین به معنی آب زلال است خواه کم باشد یا زیاد؛ نطفه فعل ندارد یعنی از لفظ نطفه فعلی برای آن استعمال نمی‌شود» (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۶۱۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۲۵).

ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: جوهری صاحب کتاب الصحاح (م ۳۸۳ق) بین این دو لفظ در حالت جمع فرق گذاشته است در نتیجه معتقد است: «نطفه‌ای که به معنای آب زلال است به صورت نطاف جمع می‌گردد و نطفه‌ای که به معنای آب مرد است به صورت نطف جمع می‌شود» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۳۳۵).

طریحی در مجمع البحرین این واژه را هم به زن و هم به مرد اختصاص داده و چگونگی ایجاد نطفه در هر دو را بیان نموده است: «النطفة تتكون أولاً ثم تصير في الدماغ في عرق يقال له الورد، و تمر في فقار الظهر فلا تزال تجوز فقرا فقرا حتى يصير في الكليتين. و أما نطفة المرأة فإنها تنزل من صدرها» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۲۵)؛ یعنی: نطفه (مرد) اول به صورت خون تشکیل می‌شود سپس به مغز رفته و در رگ جاری می‌گردد و از ستون فقرات پشت همواره عبور می‌کند تا به دو کلیه می‌رسد اما نطفه زن از سینه‌اش نازل می‌شود.

آنچه از مجموع معانی و کاربردهای این کلمه در زبان عربی برداشت می‌شود این است که؛ اصل این کلمه به معنای ریختن ضعیف و کم چیزی از چیز مادی محسوس

یا غیر محسوس است؛ مانند چگّه کردن از شمشیر، ترشح عرق از بدن، بارش نم باران، چگّه کردن آب از مشک، خروج منی از مرد و زن، آبریزش از بینی. نکته‌ای که وجود دارد استعمال این کلمه برای گوشواره به طور مطلق مجاز در مجاز است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۱۵۹-۱۶۰).

در احادیث ائمه (علیهم‌السلام) نیز نطفه در معانی گوناگون به کار رفته است: امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) درباره خوارج فرمود: «مَصَارِعُهُمْ دُونَ النَّطْفَةِ وَاللَّهِ لَا يَفْلِتُ مِنْهُمْ عَشْرَةٌ وَلَا يَهْلِكُ مِنْكُمْ عَشْرَةٌ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۹۳)؛ «قتلگاه خوارج این سوی نهر است، به خدا سوگند از آنها به جز ۱۰ نفر باقی نمی ماند، و از شما نیز ۱۰ نفر کشته نخواهد شد» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۵۹: ۱۰۹). «آن أَقْطَعَ هَذِهِ النَّطْفَةَ إِلَى شِرْذِمَةٍ مِنْكُمْ مُوْطِنِينَ أَكْثَافَ دِجْلَةَ» (نصر بن مزاحم، ۱۳۷۰: ۱۸۴). «از آب فرات بگذردم و به سوی جمعیتی از شما که در اطراف دجله مسکن گزیده اند رهسپار گردم» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۴۸: ۱۰۱). از منظر سید رضی مقصود از «نطفه» (به معنی آب صاف) آب نهر است و این فصیح‌ترین کنایه است برای آب، هر چند زیاد باشد (نصر بن مزاحم، ۱۳۷۰: ۱۸۴).

در حدیث دیگر: «لا يزال الإسلام يزيد وأهله، و ينقص الشرك وأهله، حتى يسير الراكب بين النطفتين لا يخشى جوراً»؛ «همواره اسلام و اهلش زیاد می شود و شرک و اهلش کم می شود تا اینکه فرد سوارکار در بین دریای مغرب و مشرق درحالی که از ستمی نمی ترسد حرکت کند» که منظور از «بالنطفتين» دریای مشرق و مغرب است، پس نطفه در اینجا در مفهوم آب بسیار به کار رفته است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۵: ۷۴).

در حدیث دیگر: «إِنَّا نَقَطِعُ إِلَيْكُمْ هَذِهِ النَّطْفَةَ»، «ما از این آب دریا به سوی شما می گذریم»؛ «نطفه یعنی آب دریا» (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۵: ۷۴). و در حدیث دیگر داریم: «قال لأصحابه: هل من وضوء؟ فجاء رجل بِنُطْفَةٍ فِي إِدَاوَةٍ»، «به اصحابش فرمود: آیا وضو دارید؟ پس مردی با آب کمی در آفتابه آمد». که منظور از نطفه در اینجا آب کم می باشد، به همین خاطر است به منی هم عنوان نطفه اطلاق می شود و جمع آن در این صورت نُطْفٍ می باشد (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۵: ۷۵). و

۱. «اداوہ: از ریشہ (ادو) جمع آن اداوی به معنای آب دستان و مطهره که آفتابه باشد»؛ (لویس، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۲۰).

از طرفی در حدیث داریم: «تخیروا لنطفکم فإن الأبناء يشبه الأحوال»، (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۱: ۴۴). و در ضمن روایات نیز بیان شده که: «لا تجعلوا نطفکم إلا فی طهارة»، یعنی: «در انتخاب همسران دقت کنید تا نطفه در مکان حلال و طاهر قرار گیرد» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۱۹۴).

محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) از حکم عزل<sup>۱</sup> (که ریختن نطفه بیرون از رحم زن است) پرسید: امام (علیه السلام) فرمود: «نطفه از آن مرد است هر کجا که خواهد مصرف کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۴۳۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۵: ۷۵).

اسحاق بن عمار گوید: «از امام کاظم (علیه السلام) پرسیدم مردی کنیزی باردار خریداری کرده است که حملش ظاهر بوده و با وی همبستر شده، حکم چیست؟ فرمود: بسیار بد کاری کرده، عرض کردم: شما درباره حکمش چه می فرمایید؟ امام (علیه السلام) پرسید: نطفه را در خارج رحم ریخته یا نه؟ عرض کردم به هر دو صورت حکمش را بیان کنید، فرمود: اگر نطفه را بیرون ریخته، پس از خشم خداوند بترسد و دیگر مرتکب آن عمل نشود، و چنانچه نطفه را در رحم ریخته پس آن فرزند را نفروشد و ارث وی هم به او نمی رسد و لکن او را آزاد کند و سهمی از مالش برای او قرار دهد که با آن زندگی کند، زیرا با نطفه خود آن طفل را تقویت کرده است» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۴۴۷-۴۴۸؛ ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۵: ۹۸-۹۹) که در این دو حدیث عنوان نطفه به آب مرد تعلق گرفته است.

### ۱-۱-۲. معنای اصطلاحی نطفه

همان گونه که مشاهده شد، در کتب لغت و در کاربرد کلمه نطفه در کتب حدیثی، کلمه نطفه گاهی برای سلول جنسی مرد و گاهی برای سلول جنسی مرد و زن به کاررفته که با مشاهده در آیات قرآن و جمع حاصل از معانی به کاررفته در آیات درمی یابیم که این کلمه را می توان در مورد سلول های جنسی (گامت) های نر و ماده به کار برد که برای نمونه به برخی از آیات و روایات نحوه کاربرد کلمه نطفه در آنها می پردازیم:

---

۱. عزل آن است که مرد پس از دخول، خود را کنار کشیده و نطفه را بیرون از رحم زن بریزد و این کار را فقهاء نسبت به کنیز جایز می دانند ولی نسبت به زن آزاد اختلاف کرده اند، ولی با اذن و اجازه او همه در جواز متفقند، و بدون اذن وی پاره ای حرام و پاره ای مکروه دانند.

در قرآن مجید درباره اصل خلقت انسان، مجموعاً شانزده تعبیر به کاررفته است که عبارتند از: «مَاءٌ (نور: ۴۵)، مَاءٍ مَّهِينٍ (سجده: ۸؛ مرسلات: ۲۰)، مَاءٍ دَافِقٍ (طارق: ۶)، تُرَابٍ (کهف: ۳۷)، طِينٍ (سجده: ۷)، طِينٍ لَّازِبٍ (صافات: ۱)، سُئَالَةً مِّنْ طِينٍ (مؤمنون: ۱۲)، صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (الرحمن: ۱۴)، صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (حجر: ۲۶، ۲۸، ۳۳)، نُطْفَةٍ (نحل: ۴؛ حج: ۵؛ فاطر: ۱۱)، مَنِيٍّ يُمْنِيٍّ (قیامت: ۳۷)، نُطْفَةٍ أَمْسَاجٍ (انسان: ۲)، عَلَقٍ (علق: ۲)، عَجَلٍ (انبیاء: ۳۷)، ضَعْفٍ (روم: ۵۴)، نَفْسٍ وَحِدَةٍ (انعام: ۹۸)».

«آب، آب پست، آب جهنده، خاک، گِل، گِل چسبنده، چکیده از گل، گل خشک همچون سفال، گل خشک از لجن بدبو، نطفه، منی ریخته شده، نطفه مختلط و درهم، خون بسته شده یا کرم، شتاب، سُستی، نفس واحد».

بر اساس آیات قرآن مبدأ آفرینش، خاک آغشته و مخلوط به آب است که گل نام دارد؛ گل آن چیزی است که گیاه از آن حاصل می شود، همان گیاهی که غذای همه حیوانات است، و نطفه از آن غذا به وجود می آید. پس مبدأ اصلی برای به وجود آمدن انسان همان خاک تبدیل شده به صورت گل است؛ اما ابتدای آفرینش انسان به این دنیا و جریان به وجود آمدنش همان نطفه حاصل شده از مرد و زن است، نطفه از آن جهت به منی تعبیر می شود که مظهری برای شهوت و میل نفسانی است که به اعتبار جاری شدن آن به هنگام ازدواج عنوان نطفه را به خود اختصاص داده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۱۶۰).

قرآن مجید با کاربرد ۱۱ بار کلمه «نطفه» و یک بار کلمه «النطفه» که تمام موارد آن درباره آفرینش انسان می باشد این مطلب را متذکر می شود که انسان از نطفه آفریده شده و این مرحله نخستین مرحله آفرینش وی است.

«أَ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُدًى. أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِّنْ مَّنِيٍّ يُمْنِي. ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى. فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى. أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ؟» (قیامت: ۳۶-۴۰)؛ «آیا انسان گمان دارد که بیهوده رها می شود، مگر آب کمی از منی نبود که ریخته می شد، سپس علقه شد و خدایش خلق کرد و پرداخت و از او نر و ماده قرار داد آیا آن خدا قادر نیست مردگان را بیافریند» (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۶۱).

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (انسان: ۲): نطفه به معنای جاری بودن و منظور در اینجا منی زن و مرد می‌باشد که به صورت مرکب نطفه را به وجود می‌آورند، به عبارت دیگر انسان از سلولی مرکب از اسپرم از جانب مرد و اوول از جانب زن به وجود می‌آید (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۱۵-۱۱۶). ابوالفتوح رازی معتقد است که: «آدمی را از این آبی که آن را نطفه خوانند، و آن آبی است که از میان پشت و استخوان‌های سینه بیرون آید خلق نموده است» (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۱۰-۱۱). بر طبق این معنا نطفه هم به آب زن و هم به آب مرد گفته می‌شود، ایشان در دنبال سخن خود مدّت زمان تکامل نطفه و تبدیل آن به علقه را ۲۰ روز (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۱۰-۱۱) بیان کرده است که بنده با تفحص در کتب جامع روایی مستندی برای این سخن نیافتم و لذا این سخن درست نمی‌باشد. طبرسی در ذیل آیه ۵ سوره مبارکه حجّ فرموده: «نطفه به معنی آب کم است از مذکر و مؤنث و هر آب صاف را نطفه گویند» و در ذیل «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ» (انسان: ۲). فرموده: «اصل نطفه به معنی آب کم است، گاهی به آب زیاد نیز گفته شود» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۴۰۸). در تفسیر المیزان آمده است: «نطفه در اصل به معنای آب اندک است، ولی در استعمال به معنای آب حیوان نری که از آن همجنس آن تولید می‌شود غلبه پیدا نموده است. و آمشاج جمع مَشِيج و یا مَشِج با دو فتحه و یا فتحه و کسره [مَشِج و مَشِج] به معنای مختلط و ممتزج است. و نطفه را یا به اعتبار اجزای مختلفش، و یا به اعتبار اختلاط آب نر و ماده، به وصف امشاج توصیف نموده است. و ابتلاء نقل چیزی است از حالی به حالی و از طوری به طوری، مانند اختلاف حالات طلا در بوته زرگری. و مراد از ابتلای انسان در خلقتش از نطفه، همان است که در چندین جا خداوند در کلامش از آن سخن رانده است که نطفه را آفرید و سپس آن را علقه نمود، و علقه را مُضْغَه کرد تا آخرین اطواری که بر آن طاری می‌شود؛ تا برسد به آنجاکه آن را خلقی دیگر و آفرینشی جداگانه بنماید» (حکیم طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۱۲۱).

گرچه آن را نطفه مرد گفته‌اند ولی در اغلب آیات اختصاص به نظر نمی‌آید بلکه ظاهراً نطفه مرد و زن هر دو مراد است؛ مثل: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ» (نحل: ۴)؛ «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ» (فاطر: ۱۱).

اگرچه در وقت نزول قرآن مردم از نطفه زن خبر نداشتند؛ ولی چه اشکال دارد که

خداوند هر دو را قصد کرده باشد امروز می‌دانیم که انسان از نطفه مرد و زن هر دو به وجود می‌آید. نطفه اگر در آیات به معنی آب که باشد مقصود آن است که بشر از آب کمی آفریده شده و اگر به معنی آب صاف شده باشد، نطفه چکیده و صاف شده وجود انسان است. اگر گویند مبدأ وجود انسان کرم کوچکی است از مرد (اسپرماتوزوئید) و سلول مدوری است از زن (اوول)، آب صاف شده یا کم یعنی چه؟ گوییم سلول مرد هر چه باشد در میان همان آب صاف شده و چکیده است. بعید نیست که مراد از «نطفه» در آیات خود سلول زن و مرد بوده باشد که هر دو چکیده و جدا شده از وجود زن و مرد است این سخن در نظر نگارنده از همه آنچه گفته شد قوی‌تر است، خاصه آنکه نطفه در همه جا از قرآن نکره آمده یعنی چکیده به خصوص (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۷: ۷۹).

با توجه به کتاب‌های لغت و کاربرد نطفه در قرآن و روایات و عرف مردم، به نظر می‌رسد نطفه به معنای چکیده آب کم و عصاره وجود انسان می‌باشد و شامل زن و مرد می‌باشد. در مواردی هم به آب زیاد اطلاق شده است و در اصطلاح نیز عبارت است از آنچه از مردان یا زنان برای لقاح و تشکیل جنین خارج می‌شود که در اصطلاح پزشکی از آن با عنوان سلول‌های جنسی زن (تخمک) و مرد (اسپرم) یا همان گامت نر و ماده یاد می‌شود.

## ۲-۱. جنین

### ۱-۲-۱. معنای لغوی

جنین از ریشه جنّ که حروف اصلی آن «ج» و «ن» می‌باشد (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۴۲۱). این کلمه در زبان عربی دارای کاربردهای متفاوتی مثل: مجنون، جنه، جن، مجن، جنان می‌باشد. در بین تمام این استعمالات معنای ستر و پوشیدگی وجود دارد؛ به عنوان مثال: به قلب جنان می‌گویند چون در میان بدن پوشیده شده است، به سپر مجن و مجنه می‌گویند چون صاحب سپر را می‌پوشاند، به باغ و مزرعه و چمن جنت و جنات می‌گویند چون روی زمین را می‌پوشاند. و به موجودات نامرئی از آن جهت که از حواس ما پنهانند جن می‌گویند. و به دیوانه به خاطر آنکه عقلش پوشیده است مجنون می‌گویند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۶۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸،



ج ۲: ۱۲۲). خلیل بن احمد فراهیدی کاربرد این واژه را در این جمله بیان کرده است: «أجنت الحامل الجنین» یعنی فرزند در شکم زن باردار است؛ و زمانی عرب می‌گوید «قد جن الولد یجن فیه جنّاً» که فرزند در آب رحم باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۲۱؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۴۰۹).

در کتب لغت برای تبیین مفهوم جنین از عباراتی مانند: «الْجَنینُ فی بطنِ أمه» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۲۶؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۹۴۸)، «الولد فی بطنها» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۲۱)، «الولد فی الرحم» (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۴۰۹)، «الولد مادام فی بطن امه لاستتاره» (أزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۷۳؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۱۱۱؛ ابن اثیر جزری، بی‌تا، ج ۱: ۳۰۷)، «الولد مادام فی الرحم» (ثعالبی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۴) استفاده شده که نشان‌دهنده این مطلب است که عرب حقیقت جنین را برای فرزند موجود در شکم مادر به علت پوشیده و پنهان بودن از دسترس به‌کار برده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۱۴). این کلمه بر وزن فعلیل به معنای مفعولی در مورد جنین موجود در شکم مادر به‌کار می‌رود و در معنای فاعلی منظور قبر است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۱۴؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸: ۱۲۰). جمع لفظ جنین آجنه و آجنن است. جنین در رحم پوشیده شده و حامل آن را پوشانده است. در فارسی به هر چیز پوشیده و مستور و بی‌چه تا زمانی که در شکم مادر است و زاییده نشده است می‌گویند (عمید، ۱۳۷۵، ج ۱: ۸۳۵، بستانی، ۱۳۷۵: ۳۰۶).

### ۱-۲-۲. معنای اصطلاحی

مشتقات جنن ۲۰۱ بار در ۱۹۶ آیه و در ۷۰ سوره از قرآن کریم به‌صورت‌های جنه، جنات، مجنون، جان، جنتان، جنتین، اجنه و... به‌کاررفته است. در این میان تنها در یک آیه واژه جنین به‌صورت جمع «أَجِنَّةٌ» به‌کاررفته است: «وَ إِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِی بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ» (طیبیان، ۱۳۷۶، ج ۱: ۷۷۲؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۲۰۹۴؛ احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۴۲۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۴؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۹۴۸؛ ابن اثیر جزری، بی‌تا، ج ۱: ۳۰۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۹۲؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۱۱۱).

مفردات و تفاسیر قرآن کلمه اجنه را جمع جنین بر وزن فعیل به معنی مفعولی «طفل تا زمانی که در رحم مادر مستقر» است ترجمه کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۴؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۲۸). بنابراین جنین در این آیه به معنای مجنون و پوشانده شده آمده است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۶۱)، «از همان گاه که در شکم‌های مادران [در زهدان] نهفته بودید» (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۵۲۷). البته برخی جنین را صورتی قبل از ولوج روح تعریف کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۷۶۳).

در کتب حدیثی از بدو اسلام تاکنون در باب‌هایی همچون: خلقت انسان و تدبیر جنین در رحم، کیفیت ولادت جنین، دیه جنین در رحم، میراث، وصیت و... از جنین و احکام مختلف آن سخن به میان آمده است. با بررسی احادیث دریافتیم که ائمه (علیهم‌السلام) برای تبیین مفهوم جنین و جاری کردن احکام اسلام بر آن، مراحل خلقت جنین و ولد را در شکم مادر با تأسی گرفتن از آیات قرآن بیان نمودند که به اختصار در ذیل بدان می‌پردازیم:

#### مراحل شکل‌گیری جنین:

مراحل به زبانی ساده در آیات ۱۲ الی ۱۴ سوره مبارکه مؤمنون در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته که عبارتند از:

۱. نطفه.
  ۲. علقه: خونی که از نطفه پدید آمده است.
  ۳. مضغه: قطعه گوشتی است به مقداری که جویده شود.
  ۴. عظام: حالتی از جنین است که استخوان‌هایی به شکل غضروف در آن ایجاد می‌شود و هنوز گوشت بر روی آن نرویده است.
  ۵. لحم: در این مرحله اطراف استخوان با گوشت پوشیده می‌شود که آخرین مرحله تکامل است و از نظر فیزیکی جنین کامل می‌شود ولی هنوز روح در آن دمیده نشده است.
  ۶. جنین کامل: که ولوج روح در آن صورت گرفته است و حکم انسان کامل را دارد (شهید اول، ۱۳۸۴: ۳۲۱-۳۲۲؛ نجفی سبزواری، ۱۴۱۹ق: ۳۴۸).
- ائمه (علیهم‌السلام) مراحل فوق را با جزئیات بیشتر به نحو ذیل بیان نموده‌اند: زراره در این باره از امام باقر (علیه‌السلام) نقل می‌کند: «هنگامی که خداوند بخواهد نطفه‌ای که قرار

است از او میثاق اخذ کند را خلق کند و او را در رحم قرار دهد، مرد را تحریک به جماع می‌کند و آنگاه به رحم زن وحی می‌کند: درت را باز کن تا مخلوقم را در تو آشکار (وارد) کنم، چرا که قضا و قدر من محتوم است؛ پس رحم در بش را می‌گشاید و نطفه به رحم می‌رسد و پس از گذشت چهل روز به علقه تبدیل می‌شود و بعد از گذشت چهل روز به مضغه تبدیل گشته و با گذشت چهل روز به روی آن گوشت و عروق ایجاد می‌گردد، سپس خداوند ملائکه‌اش را از طریق دهان زن وارد رحم می‌کند تا آنچه را خداوند می‌خواهد خلق کنند. پس دو ملک به رحمی می‌رسند که در آن (رحم) روح قابل انتقالی - که در صلب مردان و رحم زنان وجود دارد - است، پس آن دو ملک در رحم روح زندگی و بقاء را می‌دمند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۱۳-۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷: ۳۴۴-۳۴۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۱۶۹-۱۷۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۵۳۵-۵۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱: ۲۳-۲۶).

نکته‌ای که در این حدیث وجود دارد این است که نطفه و فضای رحم بر طبق این حدیث دارای زندگی و حیات نباتی است چرا که بعد از تکمیل اجزای وجودی انسان فرشتگان الهی با دمیدن روح زندگی (یعنی روحی که قبل از خلق جسد وجود داشته و وابسته به جسد نمی‌باشد) به آن امکان بقاء یافتن و ادامه حیات می‌دهند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۱۳-۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷: ۳۴۴-۳۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱: ۲۳-۲۶).

در حدیث دیگر که آن را شیخ کلینی از محمد بن عیسی به سندش از محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) و شیخ طوسی آن را از محمد بن حسن صفا به سندش از عبدالرحمن بن جریر قمی از امام کاظم (علیه السلام) نقل نموده‌اند، ایشان نطفه، علقه، مضغه را تعریف نموده و ضمن آن، مراحل رشد جنینی را بیان داشتند.

«... گفتم: ویژگی ساختار نطفه که بدان از دیگر چیزها باز شناخته می‌شود، چیست؟ فرمود: «نطفه سفید و مانند فضولات غلیظ بینی است. پس زمانی در رحم می‌ماند تا این زمان به چهل روز برسد. سپس به علقه تبدیل می‌شود». گفتم: ویژگی ساختار علقه که بدان باز شناخته می‌شود، چیست؟ فرمود: «لخته، خونی است همانند آن خون که در بادکش ابزار حجامت، لخته شود. پس از بدل شدن از حالت نطفه، چهل روز در همین حالت می‌ماند و سپس به مضغه تبدیل می‌گردد» گفتم: ویژگی